

The Critical Survey of Evolution in Common Persian Slang Lexicography "By Emphasizing on Twelve Common Persian Slang Lexicons"

Ghodsie Rezvanian*, Siyavash Haghjoo**

Leila Darvish Ali Pour Astaneh***

Abstract

From Ghaghara era up to now, around 60 lexicons gathered but unawareness to methods and configuration of methods in micro and major structure for lexicography, the old approach to slang, low vision to slang in comparison with formal language, fear of destroying taboo words in formal language from cultural statecraft which caused more gathering merchant lexicon and unnoticed in university meetings. The territory of this essay is describing and criticizing twelve main lexicon in Persian slang from 60 lexicons by the usage of practical linguistics science. The results of this essay anecdote that 12 lexicons are adapted by Lexicography methods in formal language and the highest weakness of lexicographers is incorrect or defective information of sub enters in micro and major structure. This essay attempts to survey texts of 12 lexicons, assuming that the use of

* Associate Professor, Persian Language & Literature, Mazandaran University, Mazandaran, Iran,
ghrezvan@umz.ac.ir

** Associate Professor, Persian Language & Literature, Mazandaran University, Mazandaran, Iran,
haghjoo@umz.ac.ir

*** PhD Student, Persian Language & Literature, Mazandaran University, Mazandaran, Iran,
(Corresponding Author), ldarvishalipur@yahoo.com

Date received: 11/06/2021, Date of acceptance: 06/11/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

formal language Lexicography and Personal Computer (PC) Figuration can aid to protect and give scientific credit to this temporary language.

Keywords: Lexicography, Slang, Major and Micro Structure, PC Figuration.



بررسی انتقادی جریان فرهنگ‌نویسی در زبان فارسی عامیانه «با تکیه بر دوازده فرهنگ زبان فارسی عامیانه»

قدسیه رضوانیان*

سیاوش حق‌جو**، لیلا درویشعلی‌پور آستانه***

چکیده

هرچند از دوران قاجار تاکنون حدود شصت فرهنگ زبان فارسی عامیانه تدوین شده، اما کم‌آگاهی فرهنگ‌نویسان یا پایندنبودن آنان به اصول فرهنگ‌نویسی در پیکره‌نگاری، نگاه ذوقی و گذشته‌نگر آن‌ها به زبان عامیانه، نازل‌نگری زبان عامیانه در برابر زبان رسمی و ترس از ورود واژگان تابوشکن در زبان معیار از سوی سیاست‌گذاران فرهنگی، باعث شکل‌گیری فرهنگ‌های بازاری بسیاری شد و در محافل دانشگاهی نیز به رسمیت شناخته نشدند. این جستار، از بین شصت فرهنگ موجود، تنها دوازده «فرهنگ واژگان و تعابیر عامیانه» را هم‌سو با معیارهای فرهنگ‌نویسی در علم زبان‌شناسی کاربردی یافته، اما باز استفاده از روش کتابخانه‌ای به جای روش میدانی در گردآوری داده‌ها، ناقص و یا نادرست بودن اطلاعات زیر مدخلی از ضعف‌های عمده‌ی این دست فرهنگ‌هاست که این جستار، به بررسی توصیفی - انتقادی متن این فرهنگ‌ها می‌پردازد. به نظر می‌رسد، استفاده از پیکره‌نگاری زبان معیار و پیکره‌بندی رایانه‌ای می‌تواند در حفظ و اعتباربخشی علمی این زبان گریز یا بیفزاید.

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه مازندران، ghrezvan@umz.ac.ir

** دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه مازندران، haghjoo@umz.ac.ir

*** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه مازندران، (نویسنده مسئول)،
ldarvishalipur@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۵

کلیدواژه‌ها: زبان فارسی عامیانه، پیکره‌بندی رایانه‌ای، ساختار خرد و کلان.

۱. مقدمه

هرچند حدود دو سده از زمان پیکره‌نگاری زبان فارسی عامیانه می‌گذرد، اما این بازه زمانی در مقایسه با شروع فرهنگ‌نویسی در زبان معیار که به دوران باستان؛ یعنی فرهنگ‌هایی؛ مثل اویم - ایوک (Oim-evak) (اوستایی - پهلوی) و واژه‌نامه‌ی پهلوی مناختای (Menaxtāi) (زرتشت‌شناس، ۱۳۸۴: ۶۶)، لغت فرس (قرن ۵ هـ) و ...؛ رقم‌ناچیزی است. در همین دو سده نیز جریان‌هایی مثل: مردمی‌شدن ادبیات با نهضت مشروطه، بیانیه‌ی فرهنگستان زبان، آثار عامیانه‌نویسانی چون جمالزاده، دهخدا، آل‌احمد و ... نقش بسزایی در مکتوب‌سازی زبان عامیانه داشته است، اما رسوبات نازل‌نگری به زبان عامیانه، و نگاه گذشته‌نگر به این زبان مانع از توجه علمی به زبان فارسی عامیانه در محافل دانشگاهی و در پی آن تحلیل‌گران سیاسی - اجتماعی و مردم‌شناسان، ادیبان و غیرفارسی‌زبانان برای آشنا شدن با تغییرات زبانی و فرهنگی مردم جامعه شد. هرچند گردآوری داده‌های زبانی با نظم الفبایی به عنوان گامی آغازین برای حفظ برگ‌هایی ارزشمند از تاریخ شفاهی ایران اهمیت بسزایی داشته، اما داشتن روشی علمی و اصولی و هماهنگ برای پیکره‌بندی ساختار خرد و کلان واحدهای واژگانی مهم‌تر به نظر می‌رسد. بدین منظور در دهه‌های اخیر، گرایش فرهنگ‌نویسی در زبان‌شناسی کاربردی نقش مهمی در روش‌مندسازی تدوین فرهنگ، نقد و ارزیابی، آهنگ تحول مدخلی و روش گردآوری روزآمد این دست فرهنگ‌ها ایفا نموده است.

چهارچوب ساختاری این مقاله را دستیابی به پاسخ پرسش‌های زیر شکل می‌دهد:

۱. آیا معیارهایی برای نقد فرهنگ‌های زبان‌فارسی عامیانه تاکنون معرفی شده است؟
۲. چه آسیب‌هایی در روش دوازده فرهنگ انتخابی این مقاله وجود دارد؟
۳. زبان‌شناسی کاربردی چه کمکی به تدوین فرهنگ‌های زبان فارسی عامیانه می‌کند؟

این مقاله اهداف زیر را دنبال می‌کند که عبارت‌اند از:

الف. معرفی سیر خطی فرهنگ‌های فارسی عامیانه از بدو پیدایش؛ یعنی از دوران قاجار تا کنون.

ب. نقدروش فرهنگ‌نگاری واژه‌نامه‌های شاخص موجود در زبان فارسی عامیانه.

ج. پیوند زدن جریان پیکره‌نگاری رایانه‌ای در فرهنگ‌های رسمی با فرهنگ‌نگاری زبان فارسی عامیانه.

اهمیت و ضرورت این مقاله در برجسته‌سازی ضعف‌های فرهنگ‌های فارسی عامیانه پیشین در پی نقد روش فرهنگ‌نگاری فیش‌نویسی سنتی برای گذار از این جریان با هدف فرهنگ‌نگاری یارانه‌ای است. چیزی شبیه دایره‌المعارف الکترونیکی زبان عامیانه تا زبان عامیانه به عنوان یک واقعیت اجتماعی مثل زبان رسمی پذیرفته شود هم‌چنین، داده‌های کیفی این پژوهش می‌تواند مورد استفاده‌ی سایر رشته‌های علوم انسانی، زبان‌شناسی و ادبیان فرهنگستان زبان و هنر نیز قرار بگیرد.

۱،۱ پیشینه پژوهش

درباره‌ی فرهنگ‌نویسی، انواع، تاریخچه، اصول و شیوه‌های نقد و نرم‌افزارهای ساخت آن در ایران پژوهش‌های درخور توجهی وجود دارد که به نوعی مبانی نظری این پژوهش بر یافته‌های آنان متکی است. این پژوهش‌ها به ترتیب زمانی عبارت‌اند از:

۱. اسپیزر، فرهنگ مردم: کلمات و اصطلاحات خودمآبی، عامیانه و اسلنگ مردم آمریکا (۱۳۹۷) ترجمه‌ی بابک محقق و مسعود قاسمیان که در مقدمه، ۲۷ فرهنگ‌فارسی عامیانه به زبان اسلنگ را به شکلی گذرا معرفی کرده است.

۲. قربان‌زاده، «معرفی نرم‌افزار فرهنگ‌نویسی پیرکس» (۱۳۹۵) که نرم‌افزاری با تمامی امکانات لازم برای فرهنگ‌نگاری از قبیل فرمان تنظیم نوع، اندازه و رنگ قلم، فهرست کلمات براساس نویسه‌های پایانی و آغازی، نقش دستوری و حوزه‌ی معنایی و کاربردی معرفی می‌کند.

۳. جعفری، «مروری بر مقوله‌ی نقد فرهنگ لغت و مبانی آن» (۱۳۹۳) که یکی از موانع افزایش دانش‌کار با فرهنگ لغت را نبود نظریه‌ی منسجم و مشخص در حوزه نقد و داوری آن می‌خواند و ضمن معرفی ساختار کلان‌خرد و مبانی فرهنگ‌نگاری را برای نقد فرهنگ در اختیار منتقدان قرار می‌دهد.

۴. سبزعلیپور و نیک‌گهر، «فرهنگ‌نگاری گویشی: مطالعه موردی بررسی فرهنگ‌نگاری در گیلکی» (۱۳۹۳) که کوشیده‌اند با روش توصیفی، شش فرهنگ‌شاخص گویش گیلکی را با معیارهای علمی فرهنگ‌نگاری از قبیل: معرفی جغرافیای زبانی، روش و افراد اطلاع‌دهنده، شرح نشانه‌های اختصاری، رعایت واج‌نویسی، مدخل‌نویسی درست و بیان مثال، معادل‌یابی، پرهیز از ریشه‌شناسی و... ارزیابی علمی نمایند. براساس نتایج آنان، فرهنگ‌نگاری گویشی در ایران چندان روشمند نیست. اغلب این فرهنگ‌ها تنها برای گویشوران گیلک زبان مفیدند نه دیگر پژوهش‌گران.

۵. عباسی، «فرهنگ‌نویسی و توانش کاربرد شناختی» (۱۳۹۲) که تنها کاربرد جملات دستوری را ضامن انتقال پیام ندانسته بلکه نحوه‌ی کاربرد کلمه در گفتار و قصد گوینده را هم دخیل می‌داند و فرهنگ‌نگار می‌تواند با زدن برچسب نگرش (توهین آمیز، طنز آمیز، تأکیدی، احساسی، در تأیید، احتمال، تردید و...) نحوه‌ی کاربرد اصطلاح را در ساختار خرد فرهنگ مشخص کند.

۶. آزاد ارمکی و دیگران با مقاله‌ی «تحلیل کیفی نگرش توسعه‌ای در ادبیات عامیانه با تأکید بر ضرب‌المثل‌های گری» (۱۳۹۲) کوشیده‌اند تا بین گفتار کاربران ضرب‌المثل‌ها و رفتار آنان رابطه همبستگی یا تعارض بیابند. نتایج مقاله‌ی آن‌ها نشان داد: ضرب‌المثل‌های گری نقشی در پیشرفت و توسعه‌ی زندگی لرها نداشته‌اند؛ زیرا بین رفتار و گفتار مردم مغایرت وجود دارد.

۷. بختیاری، «ریشه‌شناسی در فرهنگ‌ها» (۱۳۸۸) که بر ضرورت ریشه‌شناسی در خردساختار فرهنگ برای بالابردن دانش کاربران فرهنگ تأکید می‌کند تا با کمک ریشه‌شناسی، از ریشه‌شناسی‌های عوامانه و شبه‌عوامانه پرهیز شود.

۸. نغزگوی کهن، «تاریخچه فرهنگ‌نویسی عامیانه فارسی» (۱۳۸۶)، پیشینه فرهنگ‌نویسی را دوران قاجار و فرهنگ مرآت‌البله منسوب به حبیب‌اله لشکرنویس یا شریعتمدار تبریزی خوانده و در ادامه، ضمن معرفی سیر خطی فرهنگ‌های زبان فارسی عامیانه تا دوران معاصر، فرهنگ‌های جدید را علمی‌تر و طبیعی‌تر از گذشته می‌خواند و بر لزوم جمع‌آوری زبان مردم از سوی فرهنگستان زبان تأکید می‌کند.

۹. قطره، «نقش زبان‌شناسی در فرهنگ‌نویسی/امروز» (۱۳۸۶)، ضمن انتقاد بر شیوه‌ی سنتی فیش‌نویسی و معرفی ساختار خرد و کلان فرهنگ، استفاده از یافته‌های زبان‌شناسی کاربردی را گامی مؤثر در تدوین علمی فرهنگ‌ها می‌خواند.
۱۰. لیان، «ضرورت توجه به صورت‌های شکسته در فرهنگ‌ها» (۱۳۸۶)، وظیفه‌ی اصلی فرهنگ‌نگار را توصیف زبان خواننده نه تجویز زبان؛ فرهنگ‌نگار در ضبط مدخل‌ها نباید صورت تلفظ واژه‌ها را دستکاری کند و آنها را به زبان نوشتاری درآورد.
۱۱. طباطبائی، «نکاتی درباره‌ی آسیب‌شناسی برخی فرهنگ‌ها» (۱۳۸۶)، فرهنگ‌های موجود را به دلیل ضعف در روش کار، نبود دانش و منابع کافی ناقص دانسته؛ ضبط نابه‌جای واژه‌ها، تشخیص نادرست مقوله‌ی دستوری، بی‌نظمی در ترتیب قرارگیری مدخل‌های اصلی و فرعی، کثرت مثال را برای نمونه توضیح داده است.
۱۲. خطیبی، «پیکره در فرهنگ‌نویسی: پیکره‌ی زبانی رایانه‌ای» (۱۳۸۶)، ضمن معرفی پیشینه فرهنگ‌های رسمی زبان فارسی، تلاش‌های فرهنگستان مبنی بر تدوین پیکره‌ی زبانی رایانه‌ای فرهنگ جامع زبان فارسی، لوح‌های فشرده‌ی ذرچ، تأسیس پایگاه‌های داده، گنج واژه و... را برشمرده است.
۱۳. عاصی، «از پیکره‌ی زبانی تا زبان‌شناسی پیکره‌ای» (۱۳۷۹)، ساماندهی فرهنگ‌های سنتی و روزآمدسازی رایانه‌ای مدخل‌های آنها را ضروری خوانده؛ زیرا رایانه به سرعت می‌تواند بر روی حجم زیادی از داده‌ها دسته‌بندی و تحلیل علمی انجام دهد.

۲،۱ روش پژوهش

این پژوهش بنیادی - کاربردی کوشیده تا دوازده «فرهنگ واژگان و اصطلاحات عامیانه فارسی» که نزدیک‌ترین نسبت را با معیارهای فرهنگ‌نویسی رسمی زبان معیار در زبان‌شناسی کاربردی داشته‌اند، انتخاب کند؛ زیرا بسیاری از فرهنگ‌های عامیانه یا تک‌موضوعی‌اند؛ مثل فرهنگ امثال یا کنایات و یا جز نظم الفبایی، واژه و معنی، مزیتی بر سایرین ندارند. این دوازده فرهنگ عبارت‌اند از: ۱- مرآت‌البله‌ها منسوب به حبیب‌اله لشکرنویس یا شریعت‌مدار تبریزی [بی‌تا]، ۲- فرهنگ لغات عامیانه (۱۳۴۱) محمدعلی جمالزاده ۳- کتاب کوچه (۱۳۵۵-۱۳۹۱) احمد شاملو ۴- قند و نمک (۱۳۷۰) جعفر شهری ۵- فرهنگ جبهه (اصطلاحات و تعبیرات) (۱۳۶۸-۱۳۷۱) از سید مهدی فهیمی ۶- فرهنگ

لغات عامیانه و معاصر (۱۳۷۷) رضا انزایی نژاد و منصور ثروت ۷- فرهنگ فارسی عامیانه (۱۳۷۸) ابوالحسن نجفی ۸- فرهنگ اصطلاحات عامیانه‌ی جوانان (۱۳۸۰) مهشید مشیری ۹- فرهنگ لغات زبان مخفی (۱۳۸۲) سیدمهدی سمائی ۱۰- فرهنگ زبانزدهای فارسی (۱۳۸۸) از غلامحسین صدری افشار ۱۱- دایره‌المعارف زیبای خنده (۱۳۸۸) از سیدجواد هاشمی نژاد ۱۲- فرهنگ فارسی گفتاری (۱۳۹۵) از بهروز صفرزاده .

۲. بحث و بررسی

۱،۲ سنج‌های ارزیابی و نقد پیکره‌ی زبانی فرهنگ‌های فارسی عامیانه

فرهنگ‌نویسی گرایشی از علم زبان‌شناسی کاربردی است؛ زبان‌شناسی کاربردی خود از دستاوردهای حوزه‌های مختلف؛ مثل: معناشناسی، صرف، نحو، آواشناسی و واج‌شناسی، کاربردشناسی، زبان‌شناسی پیکره‌ای، زبان‌شناسی تاریخی و تطبیقی، جامعه‌شناسی زبان و... در تدوین فرهنگ بهره می‌گیرد. تدوین واژه‌نامه کاری ذوقی و تفنی نیست بلکه روشمند و اصولی است؛ زیرا واژه‌نامه تنها مرجع برای یافتن واژه‌ها، تلفظ و معنای آنهاست که کاربران زبان در کنار این‌ها، مفاهیمی مثل مرجعیت، اعتبار و دقت و درستی را هم می‌آموزند (سارلی، ۱۳۹۲: ۶۸). متأسفانه فرهنگ‌های عامیانه‌ی زیادی وجود دارند که حاوی اطلاعات فراوان، اما ناروشمند و پریشانند و غالباً با کوشش و تلاش طاقت‌فرسای یک‌نفر و اقتباسی ناسنجیده از مدخل و روش فرهنگ‌های پیش از خود از قبیل فرهنگ‌های فارسی رسمی یا غربی تدوین شده‌اند. برای سنجش فرهنگ‌ها با سه رکن فرهنگ، فرهنگ نگار و کاربران فرهنگ روبه‌رو هستیم:

۱. فرهنگ دارای پیکره‌ی زبانی است؛ پیکره‌ی زبانی همان مجموعه‌ای خام از داده‌های زبانی نوشتاری یا گفتاری است که می‌توان در توصیف و تحلیل زبان از آن بهره گرفت (قطره، ۱۳۸۶: ۶۸). فرهنگ‌ها به دو دسته عمومی و تخصصی یک‌زبان، دو یا چند زبانه تقسیم می‌شوند. بیشترین بخش واژگان هر زبان در فرهنگ‌های عمومی جای دارد که در آن تعابیر عامیانه نیز می‌توان یافت؛ « فرهنگ‌های تخصصی مجموعه‌ای از اصطلاح‌های یک رشته‌ی تخصصی یا یک زمینه از یک دانش خاص هستند که از راه تعریف، توصیف و

تصویر و برابره‌های فارسی، ارایه می‌شوند و به موضوعی، الفبایی و مختلط نیز طبقه‌بندی می‌شوند (مشیری، ۱۳۶۹: ۱۰۴).

عنوان فرهنگ، قلمرو موضوعی سرواژه‌ها یا مدخل‌ها را مشخص می‌کند. هر فرهنگ معتبری ساختار کلان و خرد دارد:

- ساختار کلان همان نظام درونی کل فرهنگ است که با آن می‌توان پیکره‌ی زبانی، دایره‌ی انتخاب واحدهای واژگانی، طبقه‌بندی سرواژه‌ها به اصلی و فرعی و مرتب‌سازی سرواژه‌ها، فهرست‌اعلام و جدول‌ها را شناخت. ملاک اصلی تعیین ترتیب سرواژه‌ها در فرهنگ، افزون بر نظم الفبایی، صورت املائی و آوانگاری هر واحد واژگانی است.

- ساختار خرد فرهنگ، طرح و ساختار داخلی بدنه‌ی هر فرهنگ است که اطلاعات ریز و دقیقی درباره‌ی واحدهای واژگانی از قبیل املا و تلفظ، هویت دستوری، اطلاعات سبکی، کاربرد، تاریخی، معنا و تعریف، شاهد/مثال و اطلاعات ریشه‌شناختی ارایه می‌کند. در برخی فرهنگ‌ها اطلاعات تصریفی، مترادف‌ها و متقابل‌ها نیز در ساختار خرد قید می‌شوند (قطره، ۱۳۸۶: ۷۰-۷۲). در همین ساختار کلان و خرد توجه به نکات زیر اجتناب‌ناپذیر است:

۱. در مقدمه‌ی فرهنگ باید پیشینه‌ای کوتاه از سنت فرهنگ‌نویسی در گونه‌ی زبانی انتخاب شده و تعریفی دقیق و جامع از هشت مقوله‌ی دستوری اسم، ضمیر، صفت، قید، فعل، حرف اضافه، حرف ربط و صوت ارایه شود، نشانه‌های اختصاری و کوتاه‌نوشت‌ها و شیوه‌ی ارجاع‌دهی، منابع و گروه‌همکاران معرفی شوند؛ در فرهنگ‌های زبان عامیانه، منبع واحدهای واژگانی معمولاً از گفت‌وگوهای روزانه‌ی فارسی‌زبانان، برنامه‌های رادیو و تلویزیون، نوشته‌های سایت‌ها و وبلاگ‌های گوناگون، گفت‌وگوهای درون متون داستانی معاصر و... گردآوری می‌شوند.

۲. در بدنه‌ی فرهنگ که سرواژه‌ها به اصلی و فرعی تقسیم می‌شوند، باید سرواژه‌ها به همان شکلی که تلفظ می‌شوند، تدوین شوند (لیان، ۱۳۸۶: ۲۰۱)؛ هر نوع دستکاری روی مدخل؛ مثل انتخاب شکل معیار تلفظ واژه یا اصطلاح، روایی و دقت علمی فرهنگ را خدشه‌دار می‌کند، در شاهد مثال‌ها هم نباید

نثر گفتاری به نثر نوشتاری تبدیل شود؛ این کار مانع توصیف علمی زبان فارسی واقعی و پویا می‌شود. در واج‌نویسی هم باید روش تلفظ آوانگاری آمریکای شمالی APA انتخاب شود. در آوانویسی برای جداسازی تقطیع هجایی، از خط تیره یا نقطه استفاده شود، بست چاکنای (همزه و ع) آغازی بهتر است با نشانه / , / مشخص شود. اگر بست چاکنای در وسط کلمه‌ی مرکب باشد، نیاز نیست تلفظ شود؛ مثل بارنداز به جای بار‌انداز (قربان‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۹۳). بیان مصوت مرکب (ey, ow, aw) به پیروی از واژگان غربی در فرهنگ نادرست به نظر می‌رسد و می‌توان از مصوت‌هایی مثل u: i: o: استفاده کرد؛ مثل طوری شدن: آسیب دیدن *to:ri: šodan*. در سرواژه‌های فعلی از شکل مصدری فعل به جای صرف شش حالت آن استفاده شود، معانی سرواژه‌ها با حروف یا با اعداد و یا سایر نشانه‌های قراردادی از هم تفکیک شوند (هاشمی میناباد، ۱۳۶۸: ۲۵)، هویت دستوری و احیاناً بلاغی مدخل باید دقیق باشد؛ زیرا تنها کاربرد جملات دستوری نمی‌تواند تضمینی بر انتقال موفق پیام از گوینده به شنونده باشد. اینجاست که مقوله‌ی «کاربردشناسی زبان با برچسب‌دهی به جای عوامل غیر زبانی؛ مثل تفاوت‌های جنسیتی، سطح سواد، شخصیت، حالت روحی گوینده در دل شاهدمثال‌ها، مدخل را در قالب بافت جمله توصیف می‌کند؛ زیرا عموماً معنای کلمه در واژه‌نامه‌ها فارغ از بافت اجتماعی آن بررسی شده است» (عباسی، ۱۳۹۲: ۳۲). برخی فرهنگ‌نگاران در مواقعی که شاهدمثالی نمی‌یابند، شاهدمثال‌های جعلی می‌سازند که باید با نشانه‌های قراردادی جمله‌ی مثال از جمله‌ی شاهد مشخص شود؛ زیرا «جمله‌ی مثال، جمله‌ای است که فرهنگ‌نویس خود براساس شمّ زبانی خودش ساخته، ولی جمله‌ی شاهد، جمله‌ای است که فرهنگ‌نویس از پیکره یا پیکره‌های مشخص واقعی استخراج کرده است» (طیب‌زاده، ۱۳۹۵: ۸). در بیان شاهد مثال نباید زیاده‌روی شود؛ چون باعث حجم‌افزایی بی‌رویه‌ی فرهنگ می‌شود، وجود مترادف و متضاد سرواژه‌ها و ارجاع آن به نمونه‌های مشابه درون فرهنگ بر ارزش آن می‌افزاید اما «نباید فرهنگ‌نگار به جای تعریف‌نگاری با زبانی ساده و روشن، از چند مترادف استفاده کند» (قربان‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۸۶). ریشه‌شناسی واژه‌ها تنها نباید به واژه‌های قرضی محدود باشد بلکه واژه‌های بومی نیز باید

ریشه‌شناسی شوند. برچسب‌دهی هم باید عالمانه صورت گیرد؛ زیرا برخی از برچسب‌ها که برای حوزه‌ی تخصصی به کار می‌روند، بخش زیادی از بار تعریف را بر دوش می‌کشند (همان: ۱۹۵)، برای ارجاع مدخلی به مدخل دیگر و مترادف‌ها از نشانه‌ی پیکان استفاده می‌شود. ترکیب‌ها در واحدهای واژگانی نباید تنها توالی واژگانی باشند؛ زیرا گاهی دو واژه در کنار هم معنای مجازی می‌دهند و توالی واژگان تنها به حجم فرهنگ می‌افزاید، «افعال به دو گروه بسیط و غیربسیط تقسیم می‌شوند؛ فعل بسیط مثل آمدن و رفتن و فعل غیربسیط هم به پیشوندی (برآمدن، فرو رفتن)، مرکب (تهدیدکردن، دعا کردن)، پی‌بستی (حرصش گرفت، سردش شد)، گروه‌واژی (دست به دامان کسی شدن، آه در بساط نداشتن) تقسیم می‌شود (طیب‌زاده، ۱۳۹۵: ۸). در مواردی که واحدهای واژگانی، صفت فاعلی، مفعولی یا ترکیبی از اسم + بن فعل یا مصدر و یا حاصل مصدر باشند، برچسب «اسم» کافی است، بهتر است در فرهنگ‌ها از نشانه‌های اختصاری استفاده نشود؛ زیرا کاربرد فرهنگ را سردرگم می‌کند و موجب دشواری استفاده از فرهنگ می‌شوند. این شیوه از فرهنگ‌های غربی به فرهنگ‌های فارسی عامیانه راه یافته؛ زیرا در زبان انگلیسی حروف گسسته نوشته می‌شوند، اما در زبان فارسی حروف پیوسته نوشته می‌شوند. اگر نشانه‌های اختصاری صدها بار هم در فرهنگ تکرار شوند، تنها چند سطر به فرهنگ می‌افزایند (قربان زاده، ۱۳۹۴: ۲۰۵).

واژه‌نامه‌هایی از دوران قاجار تاکنون با موضوع زبان فارسی عامیانه تدوین شده که در جدول زیر سیاهه‌ای از این سیر خطی و تاریخی در منابع چاپی و الکترونیکی آمده است:

جدول ۱. سیر خطی فرهنگ‌های فارسی عامیانه

عناوین فرهنگ‌های عامیانه فارسی	تدوین‌گر	سال تدوین	نوع طبقه‌بندی	روش گردآوری
۱. مرآت‌البها (لغات مصطلحه عوام)	حبیب‌اله لشکرنویس یا شریعتمدار تبریزی (۹)	عصر فتحعلی‌شاه	الفبایی	میدانی
۲. مجمع الامثال و جامع التمثیل	محمدعلی هبله رودی	۱۲۶۹ ش	الفبایی	کتابخانه‌ای
۳. فرهنگ واژه‌های عامیانه	رضا حکیم خراسانی	۱۳۰۷ ه.ق	بدون نظم	کتابخانه‌ای
۴. امثال و حکم دهخدا	علی‌اکبر دهخدا	۱۳۰۸-۱۳۱۱ ش	الفبایی	کتابخانه‌ای
۵. فرهنگ عامیانه، امثال، لغات و مصطلحات	یوسف رحمتی	۱۳۲۶	الفبایی	کتابخانه‌ای - میدانی
۶. امثال فارسی - انگلیسی	سلیمان حبیب	۱۳۳۴	الفبایی	کتابخانه‌ای
۷. فرهنگ امثال فارسی	یوسف جمشیدی پور	۱۳۳۷	الفبایی	کتابخانه‌ای
۸. فرهنگ عوام	امیرقلی امینی	۱۳۳۹	الفبایی	کتابخانه‌ای
۹. فرهنگ لغات عامیانه	محمدعلی جمالزاده	۱۳۴۱	الفبایی	کتابخانه‌ای - میدانی
۱۰. ریشه‌های تاریخی امثال و حکم	مهدی پرتوی آملی	۱۳۵۵	الفبایی	کتابخانه‌ای - میدانی
۱۱. کتاب کوچه	احمدشاملو	۱۳۵۵	الفبایی	کتابخانه‌ای - میدانی
۱۲. امثال سائره و پندهای موزون	زهرا مزارعی	۱۳۶۱	الفبایی	کتابخانه‌ای
۱۳. داستان‌نامه بهمنیاری	احمد بهمنیار	۱۳۶۱	الفبایی	کتابخانه‌ای
۱۴. رجال عصر ناصری (بخش کبوتر و کبوتربازی)	دوستعلی خان معیر الممالک	۱۳۶۱	الفبایی	میدانی
۱۵. فرهنگ کنایات	منصور ثروت	۱۳۶۴	الفبایی	کتابخانه‌ای
۱۶. فرهنگ معاصر	رضا انزابی نژاد و منصور ثروت	۱۳۶۶	الفبایی	کتابخانه‌ای
۱۷. رهنگ جبهه؛ اصلاحات و تعبیرات	سید مهدی فهیمی	۱۳۶۸ - ۱۳۷۱	الفبایی - موضوعی	میدانی
۱۸. فرهنگ مثل‌ها و اصطلاحات متداول	صادق عظیمی	۱۳۶۹	الفبایی	کتابخانه‌ای
۱۹. ده هزار و پانصد امثله	محمد تقی اسکندری	۱۳۶۹	الفبایی	کتابخانه‌ای
۲۰. ماشین‌نوشته‌ها	سید جعفر حمیدی	۱۳۶۹	الفبایی	کتابخانه‌ای

بررسی انتقادی جریان فرهنگ‌نویسی ... (قدسیه رضوانیان و دیگران) ۳۳۳

عناوین فرهنگ‌های عامیانه فارسی	تدوین‌گر	سال تدوین	نوع طبقه‌بندی	روش گردآوری
۲۱. قند و نمک	جعفر شهری	۱۳۷۰	الفبایی	کتابخانه‌ای - میدانی
۲۲. ده‌هزار مثل فارسی و بیست و پنج هزار معادل آن‌ها	ابراهیم شکورزاده	۱۳۷۲	الفبایی	کتابخانه‌ای
۲۳. فرهنگ عمومی مواد مخدر	حسین نیر	۱۳۷۲	الفبایی	میدانی
۲۴. ضرب‌المثل‌های منظوم فارسی	محمدعلی حقیقت	۱۳۷۴	الفبایی	کتابخانه‌ای
۲۵. فرهنگ لغات عامیانه و معاصر	رضا انزابی نژاد و منصور ثروت	۱۳۷۷	الفبایی	کتابخانه‌ای
۲۶. فرهنگ فارسی عامیانه	ابوالحسن نجفی	۱۳۷۸	الفبایی	کتابخانه‌ای
۲۷. فرهنگ اتباع و اتباع‌سازی در زبان فارسی	مهشید مشیری	۱۳۷۹	الفبایی	کتابخانه‌ای - میدانی
۲۸. فرهنگ امثال و تعبیرات فارسی - فرانسه	علی اصغر سیدیعقوبی	۱۳۸۰	الفبایی	کتابخانه‌ای
۲۹. سالن ۶؛ یادداشت‌های روزانه زندان	سید ابراهیم نبوی	۱۳۸۰	الفبایی	میدانی
۳۰. فرهنگ منظوم و منثور ضرب‌المثل‌های فارسی و معادل انگلیسی آن‌ها	منوچهر موسوی	۱۳۸۰	الفبایی	کتابخانه‌ای
۳۱. فرهنگ اصطلاحات عامیانه جوانان	مهشید مشیری	۱۳۸۰	الفبایی	کتابخانه‌ای - میدانی
۳۲. نسل جوان ما چگونه سخن می‌گویند؟	عفت مستشارنیا	۱۳۸۱	بدون نظم	میدانی
۳۳. پس‌کوچه‌های فرهنگ (۱۵ هزار اصطلاح، کنایه، تکیه‌کلام عامیانه)	محب‌الله پرچمی	۱۳۸۲	الفبایی	کتابخانه‌ای - میدانی
۳۴. فرهنگ‌نامه کنایه	منصور میرزانی	۱۳۸۲	الفبایی	کتابخانه‌ای
۳۵. فرهنگ لغات زبان مخفی	مهدی سمائی	۱۳۸۲	الفبایی - موضوعی	میدانی
۳۶. فرهنگ بیست‌هزار مثل، حکمت و اصطلاح	صادق عظیمی	۱۳۸۲	الفبایی	کتابخانه‌ای

عنوان فرهنگ‌های عامیانه فارسی	تدوین‌گر	سال تدوین	نوع طبقه‌بندی	روش گردآوری
۳۷. فرهنگ اصطلاحات عامیانه خودرو	شهرداد میرزایی	۱۳۸۲	الفبایی	میدانی
۳۸. فرهنگ کنایات سخن	حسن انوری	۱۳۸۳	الفبایی	کتابخانه‌ای
۳۹. مردم‌شناسی اصطلاحات خودمانی	محمود اکرامی فر	۱۳۸۳	الفبایی - موضوعی	میدانی
۴۰. فرهنگ امثال سخن	حسن انوری	۱۳۸۴	الفبایی	کتابخانه‌ای
۴۱. فرهنگ نوین زبان مخفی	مطهره امینیان	۱۳۸۴	الفبایی	کتابخانه‌ای
۴۲. مثل‌ها و قصه‌هایشان	مصطفی رحماندوست	۱۳۸۴	الفبایی	کتابخانه‌ای
۴۳. غسل و مثل	علی محمدی تاکندی	۱۳۸۵	الفبایی	کتابخانه‌ای
۴۴. فرهنگ زیان‌دهای فارسی	غلامحسین صدری افشار	۱۳۸۶	الفبایی	میدانی
۴۵. فوت کوزه‌گری (مثل‌های فارسی و داستان‌های آن‌ها)	مصطفی رحماندوست	۱۳۸۶	الفبایی	کتابخانه‌ای
۴۶. اتول‌نامه (فرهنگ مائشین نوشته‌ها)	سید جمال هادیان	۱۳۸۸	بدون نظم	میدانی
۴۷. فرهنگ شفاهی سخن	محب اله پرجمی	۱۳۸۸	الفبایی	کتابخانه‌ای - میدانی
۴۸. دایره المعارف زیبای خنده	سیدجواد هاشمی نژاد	۱۳۸۸	موضوعی - الفبایی	کتابخانه‌ای
۴۹. فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی	حسن ذوالفقاری	۱۳۹۲	الفبایی	کتابخانه‌ای
۵۰. ۱۵۰ ضرب‌المثل به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی	غلامحسین فولادی	۱۳۸۹	الفبایی	کتابخانه‌ای
۵۱. فرهنگ ضرب‌المثل‌های فارسی - عربی	مهدی ناصری	۱۳۹۰	موضوعی	کتابخانه‌ای
۵۲. زیباترین ضرب‌المثل‌های فارسی (الکترونیک)	محمد صادقی سیار	۱۳۹۲	الفبایی	کتابخانه‌ای
۵۳. مثل‌های ایرانی	عزیز سفیدگر	۱۳۹۲	الفبایی	کتابخانه‌ای

بررسی انتقادی جریان فرهنگ‌نویسی ... (قدسیه رضوانیان و دیگران) ۳۳۵

عنوان فرهنگ‌های عامیانه فارسی	تدوین‌گر	سال تدوین	نوع طبقه‌بندی	روش گردآوری
۵۴. امثال و تعابیر عربی - فارسی	رضا ناظمیان	۱۳۹۳	الفبایی	کتابخانه‌ای
۵۵. زبان مردم طهران	منوچهر ستوده و اسداله کفافی	۱۳۹۳	الفبایی	میدانی
۵۶. فرهنگ برویچه‌های ترون	مرتضی احمدی	۱۳۹۳	الفبایی	میدانی
۵۷. فرهنگ فارسی گفتاری	بهروز صفرزاده	۱۳۹۵	الفبایی	میدانی
۵۸. نخستین امثال‌نامه ایران در روزنامه فکر آزاد (الکترونیک)	سیدهمدی سیدقطبی	۱۳۹۵	الفبایی	کتابخانه‌ای
۵۹. ضرب‌المثل‌های ایرانی در قالب اشعار شیرین و طنز	پرویز فرشیدمهر	۱۳۹۵	الفبایی	کتابخانه‌ای
۶۰. مثل‌های معروف ایرانی (الکترونیک)	آرتا فرزانه	۱۳۹۵	الفبایی	کتابخانه‌ای

براساس جدول بالا، می‌توان داده‌های کمی را به داده‌های توصیفی تبدیل کرد و به نتایج کیفی رسید:

جدول ۲. تحلیل سیر فرهنگ‌نویسی زبان فارسی عامیانه براساس موضوع، نوع، روش و شیوه تنظیم

موضوع فرهنگ‌ها	واژگان و اصطلاحات	ضرب‌المثل	کنایه	ترکیبی	تطبیقی
۲۲	۲۰	۳	۸	۷	
کتابخانه‌ای	میدانی	میدانی - کتابخانه‌ای			
۴۳	۱۰	۷			
الفبایی	موضوعی	الفبایی - موضوعی	بدون نظم		
۵۲	۱	۴	۳		

تحلیل جدول:

از داده‌های کمی بالا می‌توان دریافت که بعد از واژگان و اصلاحات عامیانه، بیش‌ترین توجه فرهنگ‌نگاران؛ حتی در دهه‌ی ۹۰ به ضرب‌المثل بوده است در حالی که اغلب این ضرب‌المثل‌ها با تغییر شرایط اجتماعی کارکرد زیادی ندارند، روش گردآوری داده‌ها اغلب کتابخانه‌ای است. حال آن‌که فرهنگ‌های فارسی عامیانه بیشتر خصلت میدانی دارند و روش کتابخانه‌ای به تنهایی کافی نیست. در سراسر جهان معمول‌ترین روش تنظیم فرهنگ، تنظیم الفبایی است؛ زیرا کاربر راحت‌تر می‌تواند به مدخل موردنظرش دست یابد. خوشبختانه بیشتر فرهنگ‌نگاران به این مهم توجه ویژه نشان داده‌اند.

۳. فرهنگ‌نگاران

مؤلف فرهنگ باید ضمن احاطه بر موضوع فرهنگ، با علم فرهنگ‌نگاری و واژه‌شناسی نیز آشنا باشد. کار فرهنگ‌نویسی هیچ‌گاه پایانی ندارد؛ زیرا زبان مثل موجود زنده، پیوسته در حال زایش و دگرگونی است. چنین سیر تکاملی در واژه، زاده‌ی نیازمندی مردم به واژه‌های بیش‌تر، رساتر و ذوق‌پسندتر و مطابقت با گفتمان روز است. مشکل عمده‌ی فرهنگ‌نگاران ورود واژه‌های بیگانه است که در صد سال اخیر شدت گرفته از این رو عده‌ای به جای جلوگیری از ورود واژگان بیگانه، به جنگ با واژگان پذیرفته شده رفته‌اند حال آن‌که کار فرهنگ‌نگار تنها توصیف زبان است نه تجویز زبان.

تدوین فرهنگ با گردآوری داده‌ها از قبیل متنی، مردم‌نگاری و الکترونیک شروع می‌شود. فرهنگ‌نگار در آغاز مشخص می‌کند که کدام گونه‌ی زبانی، کدام دوره‌ی تاریخی و کدام گویش طبقاتی را توصیف می‌کند. تصمیم فرهنگ‌نگار درباره‌ی دامنه و نوع واژگان تعیین می‌کند که عناصر زبانی از چه متونی یا منابعی استخراج شوند. پس از گزینش متون و انتخاب واژگان، نوبت به تنظیم آن‌ها می‌رسد که معمولاً بر اساس حروف الفباست (هاشمی میناباد، ۱۳۸۶: ۷۳)؛ ولی اگر نمایه‌ی موضوعی نیز داشته باشد، ارزش آن را دوچندان می‌کند. فرهنگ‌نگاران برای تدوین فرهنگ، نیاز به اطلاعات فرهنگ‌های پیش از خود دارند و نباید با دیدن مدخل‌های مشترک در فرهنگ‌ها، مؤلف فرهنگ را به سرقت متهم کرد؛ برخلاف متن‌های ادبی، تکرار و تشابه اطلاعات در فرهنگ امری اجتناب‌ناپذیر و

متعارف است؛ زیرا همه‌ی فرهنگ‌ها یک پدیده‌ی واحد؛ یعنی زبان را توصیف می‌کنند (جعفری، ۱۳۹۳: ۸۷).

۴. کاربران فرهنگ

محرک اولیه‌ی تدوین فرهنگ، کاربران فرضی فرهنگ هستند. این کاربران دوگروه‌اند: عده‌ای با هدف استفاده از اطلاعات فرهنگ به آن مراجعه می‌کنند و کاری به نقد فرهنگ ندارند؛ البته کاربران حرفه‌ای فرهنگ، این چهار پرسش کلی در مورد فرهنگ را پیش روی خود می‌گذارند که کدام فرهنگ‌نگار، با چه مجموعه‌ی واژگانی، با کدام الگو و شیوه‌ی واژگان‌نگاری، برای چه کسانی یا کاربرانی این فرهنگ را تدوین کرده است (مشیری، ۱۳۷۳: ۸)، اما گروه دوم، به دنبال نقد ساختار خُرد و کلان آن هستند تا میزان موفقیت و کارایی فرهنگ را در مقایسه با فرهنگ‌های نوع خودش بسنجند. متأسفانه نبود نظریه‌ی منسجم و مشخص در حوزه‌ی نقد و داوری واژه‌نامه‌ها بر روند تدوین فرهنگ‌های کارآمد و کاربردی اثر منفی می‌گذارد؛ زیرا بین کاربر فرهنگ و فرهنگ‌نگار واسطه‌ای جز خود فرهنگ نیست و منتقد فرهنگ باید این جایگاه را پر کند (جعفری، ۱۳۹۳: ۷۶). نقد واژه‌نامه، یکی از گرایش‌های فرهنگ‌نویسی است که طی آن یک واژه‌نامه از منظر پیشینه‌ی تاریخی و تطبیق دقیق و موشکافانه با فرهنگ‌های موجود دیگر از نوع خودش بررسی می‌شود. در مقوله‌ی نقد واژه‌نامه، نقدهای موجود اغلب روزنامه‌ای‌اند و بیش‌تر کارکرد اطلاع‌رسانی دارند حال آن‌که منتقد واژه‌نامه باید ضمن توصیف و معرفی ساختار خُرد و کلان فرهنگ، دارای توصیه‌هایی به فرهنگ‌نگاران باشد تا کاربران هم به نتایج روشن و کاربردی برسند. از آنجایی که حجم صفحات واژه‌نامه‌ها زیاد است منتقد می‌تواند از روش نمونه‌گیری تصادفی در بین مدخل‌های الف تا ی استفاده کند و با همان نمونه‌ها و کلیت فرهنگ پرسش‌های جزئی و دقیق زیر فرهنگ را ارزیابی کند:

۱. فرهنگ مورد نظر به گسترش یا آموزش زبان مورد توصیف تا چه حد کمک می‌کند؟
۲. آیا رویکرد فرهنگ، توصیفی است یا تجویزی؟
۳. نقاط قوت و ضعف فرهنگ به عنوان یک متن زبان‌شناختی چیست؟
۴. راهنمای استفاده از فرهنگ برای کاربران مفید است یا خیر؟

۵. میزان پابندی مؤلف به اصول و قواعد تعریف‌شده‌اش در مقدمه و ساختار خرد و کلانش چقدر است؟
۶. این فرهنگ در مقایسه با فرهنگ‌های موجود از نوع خودش در چه جایگاهی قرار دارد؟
۷. نحوه‌ی رویکرد فرهنگ‌نگار در گزینش یا آوردن تعاریف و مثال‌هایش در باب مسایل قومی، ملیتی، مذهبی یا نژادی چیست؟
۸. آیا منابع و مآخذ فرهنگ ارجاع داخلی و خارجی دارند؟
۹. اصول نگارش و ویرایش تا چه حد در آن رعایت شده است؟
۱۰. این فرهنگ نامه تا چه حد بیانگر روند دگردیسی معنایی واژه است؟

در پایان منتقد باید توانایی نتیجه‌گیری صحیح و منطقی از موضوعاتی که طی نقد به آن پرداخته، داشته باشد، منتقد نباید فراموش کند که با تمام تلاش‌های فرهنگ‌نگار احتمال خطا، افتادگی در فرهنگ بسیار زیاد است (جعفری، ۱۳۹۳: ۸۷) از این رو باید سعی کند این خطاها و افتادگی‌ها را به فرهنگ‌نگار گزارش دهد.

۱،۴ نگاهی به دوازده فرهنگ زبان فارسی عامیانه و کاربرست سنجه‌های فرهنگ‌نگاری (مرآت‌البه‌ها، کتاب کوچک، قند و نمک و ...)

۱. *مرآت‌البه‌ها یا فرهنگ مصطلحات عوام*، (بی‌تا) منسوب به حبیب‌الله لشکرنویس یا شریعتمدار تبریزی، تصحیح احمد مجاهد (۱۳۷۱)، ۱۲۴ مدخل با نظم الفبایی دارد که نسخه‌ی چاپ سنگی این فرهنگ در دوران ناصرالدین شاه تألیف شد، اما تاریخ دقیق تدوین این فرهنگ هنوز نامشخص است. از تعاریف مدخل‌ها به نظر می‌رسد که مؤلف سمتی درباری داشته است. فرهنگ *واژه‌های عامیانه* (۱۳۰۷ ه.ق) از رضا حکیم خراسانی با ۱۵۸ سرواژه، شباهت مدخلی به این فرهنگ ندارد. *مرآت‌البه‌ها* به رساله‌ی تعریفات عبید زاکانی نیز شباهت‌هایی دارد؛ زیرا لشکرنویس با ارائه‌ی تعاریفی مبسوط سعی در اصلاح اخلاقی بعضی از بزرگان و صاحب منصبان زمانش داشته است. او برای آوانگاری الفاظ، از کلمات هموزن کمک گرفته، اما شاهد مثالی برای مدخل‌ها نیاورده و مدخل‌ها را متناسب با فضای درباری تعریف کرده است. بسیاری از کلماتی که در این فرهنگ آمده،

امروز با معانی کاملاً متفاوت به‌کار می‌روند؛ مثلاً «شلخته کسی را گویند که از همه‌جا خبر داشته‌باشد. این خُلق مرکب از دنائت و نمیمت است» (همان: ۱۲)، اما شلخته امروز به معنای آدم بی‌نظم است.

۲. **فرهنگ لغات عامیانه** (۱۳۴۱) فرهنگی دو جلدی از محمدعلی جمالزاده با بیش از صد صفحه مقدمه درباره‌ی شکل‌گیری توجه به زبان عامیانه از دوران مشروطه تا روزگار مؤلف و سیاهه‌ای از فرهنگ‌ها و روش کار فرهنگ‌نویسان، به همراه بیانیه فرهنگستان در دی ۱۳۱۷ مبنی بر دعوت فرهنگ‌دوستان برای گردآوری فولکلور است که بر اعتبار علمی این فرهنگ می‌افزاید. این فرهنگ شکل گسترش‌یافته واژگان پایانی کتاب یکی‌بود یکی‌نبود اوست که در سال ۱۳۲۵ با نام *فرهنگ عوامانه* در اصفهان چاپ شد. فرهنگ جمالزاده نظم الفبایی دارد، اما آوانگاری لاتین و تعیین هویت دستوری ندارد. هم‌چنین، مؤلف کوشیده تا از بیان حکمت عامه، ضرب‌المثل و کنایه در فرهنگش صرف نظر کند.

۳. **کتاب کوچه** (۱۳۵۵-۱۳۹۱) از احمد شاملو مجموعه‌ای دوازده جلدی است که با روش میدانی - کتابخانه‌ای و با ملاحظه‌های زبانی و فرهنگی و روشمندتر از *امثال و حکم* دهخدا تدوین شده است. شاملو (۱۳۰۴-۱۳۷۹) از دوازده سالگی به جمع‌آوری فرهنگ توده پرداخت و به گفته‌ی خودش «مشاهده‌ی فرهنگ آندراج پذیرزگرش جرقه‌ی تدوین فرهنگ را برایش زد» (شاملو، ۱۳۷۸: شش). او در آغاز، الگوی مشخصی برای نظم‌دادن به فیش نوشته‌هایش نداشت، اما بعدها آن را با نظمی الفبایی در هشت جلد (از ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۸) چاپ و قصه‌های عامیانه را با نام *قصه‌های کتاب کوچه* از مجموعه‌ی اصطلاحات، تعبیرات و ضرب‌المثل‌های فارسی کتابش جدا کرد. بعد از وفاتش همسرش آیدا سرکیسیان و پسرش سیاوش شاملو، کارش را تا حرف «ج»؛ یعنی تا جلد دوازدهم دنبال کردند. جامعیت موضوعی این فرهنگ تا حدی است که این فرهنگ را «دایره‌المعارف فرهنگ توده» خوانده‌اند؛ زیرا ساختار کلی فرهنگ او عبارتند از: «باورهای توده، آداب و رسوم، آیین‌ها، خواب‌گزاری، احکام، بازی‌ها، ترانه و تصنیف، دعا، نفرین، سوگند، دشنام، ترکیبات جمله‌ای و شبه‌جمله‌ای (ابیات و اشعار)، چیستان‌ها، امثال و حکم و تعبیرات مصدری» (همان: هشت).

از جذابیت‌های *کتاب کوچه* وجود برخی خرافات و باورهای توده است که با عقل سلیم ناسازگارند، شاملو ضمن امانتداری و صداقت، علامت سؤال و یا تعجب گذاشته است که

در فرهنگ‌نویسی جدید به آن نگرش فرهنگ‌نگار به مدخل می‌گویند. ضعف این فرهنگ، شیوه‌ی شماره‌گذاری مدخل‌هایش است که کاربر فرهنگ را کمی گیج می‌کند و به خاطر جامعیت موضوعی‌اش، تنظیم الفبایی - موضوعی را با هم تلفیق کرده، اما نتوانسته حروف الفبا را تا حرف «ی» خاتمه دهد و تاکنون تنها تا حرف «چ» به چاپ رسیده است. این حرکت کند تدوین کتاب کوچک مؤید این ادعاست که تدوین فرهنگ کاری نیست که یک نفر به تنهایی آن را به نحو شایسته پایان برد و نیاز به تیم پژوهشی هم‌پیمان و دقیق و آشنا به شیوه‌ی فرهنگ‌نویسی دارد. اگر شاملو هر کدام از موضوعات مدخلی فرهنگش مثل تعبیر خواب، باورهای توده، مثل‌ها و ... را همچون *قصه‌های کتاب کوچک* در مجموعه‌های مستقلی چاپ می‌کرد، شاید این مشکل برطرف می‌شد؛ البته، به نظر می‌رسد دغدغه‌ی شاملو، تدوین یک دایره‌المعارف برای فرهنگ عامه بود تا کاربر فرهنگش را از مراجعه به سایر کتاب‌ها بی‌نیاز کند.

۴. *قند و نمک* (۱۳۷۰) فرهنگی الفبایی از جعفر شهری که ضرب‌المثل‌های تهرانی با زبان محاوره را تدوین کرده‌است. از ضعف‌های این فرهنگ اتکا به شاهد مثال به جای معنای دقیق ضرب‌المثل‌هاست و بسیاری از مدخل‌هایش افزون بر لهجه‌ی تهرانی در سایر گویش‌های کشورمان نیز به کار می‌روند. بنابراین، اگر عنوان فرهنگ را ضرب‌المثل‌های ایرانی با زبان محاوره می‌گذاشت، بهتر بود. شهری به آوانگاری، هویت دستوری و بلاغی مدخل‌ها نپرداخته، او در برابر الفاظ رکیک، برچسب ستاره یا علامتی خاص نگذاشته تا مخاطب بداند که این عبارت ناسزاگویی است و هر جایی به کار نمی‌رود، شاهد مثال‌ها اغلب از اشعار کلاسیک انتخاب شده‌اند و منبع آن‌ها نیامده است.

۵. *فرهنگ جبهه (اصطلاحات و تعییرات)* در چهار جلد از سیدمهدی فهمی (۱۳۶۸-۱۳۷۱) درست یک سال پس از جنگ کارگردآوری و چاپ آن را شروع کرد. این فرهنگ پر از اصطلاحات و تعابیری است که تنها در فضای جبهه و جنگ معنا دار و جذاب است؛ مثل *ترکش پلو* : عدس پلو، *داماد خلد* : شهید، *شیخ اجل* : خمپاره‌ی ۶۰، *نفریر* : پوتین، *لاک پشت* : تانک و *کله قند* : گلوله‌ی خمپاره (فهمی، ۱۳۷۴: ۲۵، ۳۲، ۹۲، ۸۳، ۷۳) یا بازی با کلماتی؛ مثل: *تنبلیغات* به جای *تبلیغات*، *اندی موشک* به جای *اندیمشک*، بستنی به جای *دکمه* (همان: ۶۹، ۳۲، ۴۰). فهمی در مقدمه‌ی این فرهنگ، دسته‌بندی مغشوشی از اصطلاحات جبهه ارائه کرده است که عبارت‌اند از: ۱- اصطلاحات نظامی کلاسیک

۲- پارتیزانی ۳- کُد ۴- اصطلاحات مشترک جبهه و پشت جبهه ۵- اصطلاحات فرهنگ عامه‌ی جبهه ۶- اصطلاحات محلی ۷- اصطلاحات و شوخ‌طبعی‌ها، اما در فرهنگش همه‌ی این دسته‌ها را با نظم‌القبایی با هم تلفیق کرده است و در پایان کتاب دسته‌بندی دیگری از دایره‌ی مدخلی‌اش ارائه کرده که عبارت‌اند از: «عبادت، بسیجی، شهید و شهادت، دشمن، سلاح و مهمات، وسایل نقلیه، امدادگر، شب‌عملیات، اسامی جاها، اسامی اشخاص، اشیاء و ادارات، فرماندهان، مسئولان، جهادگران، خواب‌دیدن، آب‌خواستن، ترکش و...» (همان: ۸۹-۹۵). با این‌که اغلب مدخل‌های این فرهنگ، کنایه و استعاره‌اند، آوانگاری، هویت دستوری و بلاغی مدخل‌ها نیامده است.

۶. **فرهنگ لغات عامیانه و معاصر** (۱۳۷۷) از رضا انزابی‌نژاد و منصور ثروت که ضمن معرفی فرهنگ خود، هدف از تدوین فرهنگ را تکمیل کار فرهنگ لغات عامیانه جمالزده و فرهنگ زبان فارسی امروز صدری افشار و همکاران، فرهنگ عوام امینی، کتاب کوچ‌های شاملو، فرهنگ جبهه فهیمی برشمرده‌اند. این فرهنگ فقط مخصوص واژگان عامیانه نیست بلکه واژگان عمومی را هم در بردارد که ترکیب واحدهای واژگانی چند فرهنگ عامیانه و رسمی در یک فرهنگ، ناآشنایی با ماهیت فرهنگ‌های زبان فارسی عامیانه، فرهنگ را در حد یک فرهنگ تلفیقی نه عامیانه تقلیل می‌دهد.

۷. **فرهنگ فارسی عامیانه** (۱۳۷۸) در دو جلد از ابوالحسن نجفی که ضمن معرفی کوتاه زبان معیار و عامیانه و گونه‌شناسی لایه‌های زیرین هریک با نظم‌القبایی، به تنهایی و به مدت ده سال مدخل‌هایش را از زبان گفتاری و عامیانه ۱۱۴ تک داستان کوتاه عامیانه‌نویسان سده‌ی چهاردهم؛ مثل صادق هدایت، سیمین دانشور، جلال آل احمد، صمد بهرنگی و... گردآوری کرد. او تنها برای واژگانی که تلفظ دشوار داشتند، آوانگاری کرده و هویت دستوری و بلاغی همه‌ی مدخل‌ها را مشخص نکرده است. از جذابیت‌های این فرهنگ این است که برای اولین بار، تنها معنای برداشت‌پذیر از شواهد موجود در داستان‌های معاصر را نوشته و «به نقش‌وندهای اشتقاقی در ساخت واژگان و تعبیر عامیانه توجه کرده؛ مثلاً «ب» در بساز و بخور، بشو، برو را در معنای صفتی آن‌ها؛ یعنی صبور، شکمو، شدنی و پرونق به کاربرده نه معنای امری آن» (نغزگوی کهن، ۱۳۹۰: ۱۰۳).

۸. **فرهنگ اصطلاحات عامیانه‌ی جوانان** (۱۳۸۰) از مهشید مشیری که با روش زبان‌شناختی، ۱۱۱۸۰ مدخل از اصطلاحات‌روزجوانان را با ذکر شواهد و تعیین هویت

دستوری و نقش بلاغی آن‌ها گردآوری کرده‌است. هم‌چنین، اصطلاحات آشپزی، صنعتی، ورزشی، نظامی، جبهه، شطرنج، زندان، قمار، روسی، فرانسوی، کردی و ترکی متداول را در مجموعه‌ی ۱۲۸ صفحه‌ای خود از دل سایر فرهنگ‌های دوران‌ش گلچین کرده، اما منابع کارش را در مقدمه و ذیل مدخل‌ها معرفی نکرده‌است. از ضعف‌های این فرهنگ تعلق‌نداشتن همه‌ی مدخل‌ها به اصطلاحات عامیانه‌ی جوانان و ندادن توضیح درباره‌ی واحدهای دستوری نامگذاری شده در مدخل‌هایش است.

۹. **فرهنگ لغات زبان مخفی** (۱۳۸۲) از مهدی سمائی که لغات و اصطلاحات قشرهای مختلف جامعه از قبیل: اصطلاحات کُذ یا رمزی متداول بین برخی جوانان، زندانیان، معتادان و سارقان را به روش میدانی، مصاحبه و اطلاعات شخصی با دسته‌بندی الفبایی و موضوعی گردهم آورده است. منظور سمائی از لغات مخفی همان آرگو (Argot) فرانسوی است که جزو واژگان تیره است و هر بار که رمزگشایی می‌شود، مترادف‌های جدیدی جایگزین آن می‌شود تا هم‌چنان مخفی بماند. سمائی به مدخل‌هایش برچسب عام، رایج، محدود، منسوخ، پسرانه، دخترانه زده است که تا حدی نگرش او به مدخل‌ها را برجسته می‌کند. سمائی با بی‌پروایی مدخل‌های زبان مخفی را معنا کرد؛ مدخل‌هایی که ضداخلاقی نیز بودند؛ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از تجدید چاپ این فرهنگ جلوگیری کرد؛ البته، پیش از سمائی، برخی مدخل‌های پایان کتاب سالن ۶: *یادداشت‌های روزانه‌ی زندان* (۱۳۸۰) از سید ابراهیم نبوی و فرهنگ جبهه (اصطلاحات و تعبیرات) (۱۳۷۴) از سیدمهدی فهیمی واژگان کُذ داشتند، اما باز هم همه‌ی مدخل‌های فرهنگ سمائی کُذ و مخفی نبودند؛ مثلاً «فک زدن: پرحرفی کردن؛ یزید شدن: عصبانی شدن؛ کلاس گذاشتن: تقلید از رفتار متجددان برای تظاهر» (سمائی، ۱۳۸۲: ۶۹، ۸۵، ۷۳) کنایه‌هایی هستند که با قرینه‌های حسی و ذهنی می‌توان مفهوم آن‌ها را دریافت. سمائی در برابر الفاظ رکیک، برچسب ستاره یا علامتی خاص نگذاشته تا مخاطب بداند که این عبارت ناسزاگویی است و هر جایی به کار نمی‌رود.

۱۰. **فرهنگ زبانزدهای فارسی** (۱۳۸۸) از غلامحسین صدری‌افشار؛ زبانزدها همان عبارت‌های قالبی از قبیل دعا، نفرین، دشنام، تهدید، ستایش، سپاس، تهدید و تعارف هستند که دایره‌ی صرفی محدودی دارند؛ یعنی همه‌ی صیغه‌های فعلی آن صرف نمی‌شود و با هر نوع ضمیری به کار نمی‌روند؛ مثل: *روز خوش! دست مریزاد!*

زنانه باد! شب بخیر! اولین بار احمد شاملو، اصطلاح زبانزد را به کار برد و زبانزدها را به صورت جداگانه از ضرب المثل و اصطلاح جمع‌آوری نمود (صدری افشار، ۱۳۸۶: ۶). صدری افشار زبانزدهای روزمره‌ی مردم تهران را با شواهد کاربردی آن در صیغه‌های مختلف گردهم آورد. ابتکار او این بود که شکل‌های پرکاربرد این زبانزدها را مثل فعل‌های فارسی با شناسه‌ی مربوط به آن صرف کرد و صورت نارایج را با خط تیره کنار گذاشت. از ضعف‌های این فرهنگ این است که صدری افشار، به خاطر دادن نظم الفبایی به هشت شاخه‌ی موضوعی زبانزدهایش؛ یعنی «دعاها، سپاس‌ها، تهدیدها، تعارف‌ها، نفرین‌ها، خوشامدگویی‌ها، دشنام‌ها و متلک‌ها» (همان: ۱) ناگزیر به برهم زدن ترتیب موضوعی شد، حال آن‌که می‌توانست با تفکیک موضوعی و وفادار ماندن به نظم الفبایی مرز این هشت شاخه‌ی موضوعی را تعیین کند.

۱۱. **دایره‌المعارف زیبای خنده** (۱۳۸۸) از سیدجوادهاشمی نژاد که شوخی‌ها و لطیفه‌ها و نوجویی‌های زبانی موجود در وبلاگ‌ها و پیامک‌ها را با رعایت ضوابط اخلاقی گردهم آورده است. این دایره‌المعارف، در ۳۲ بخش با عناوینی از قبیل: «ازدواج، پزشکان، چیستان و معما، حیوانات و حشرات، خلان یا دیوانگان، دزدان، ذوق‌آزمایی، بازی با ۳۲ حرف‌الفبا و...» (هاشمی نژاد، ۱۳۸۸: ۵-۷) را از منابع متنی و غیرمتنی گردآوری کرده و به هر بخش نظم الفبایی داده است. همان‌طور که از عناوین بخش‌های این دایره‌المعارف پیداست، نظمی کشکولی دارد و در آن شیوه‌ی علمی فرهنگ‌نویسی رعایت نشده است. موضوع برخی بخش‌ها می‌توانند در یکدیگر ادغام شوند تا تعداد بخش‌ها کمتر شود.

۱۲. **فرهنگ فارسی گفتاری** (۱۳۹۵) از بهروز صفرزاده که با استفاده از تخصص خود در فرهنگ زبان آموز فارسی (۱۳۸۸) و تجربه‌ای که از همکاری با انوری در فرهنگ بزرگ سخن و حضور در گروه فرهنگ‌نویسی فرهنگستان زبان برای طرح تألیف فرهنگ جامع زبان فارسی توانست فرهنگ فارسی گفتاری را تألیف کند. این فرهنگ بدون آوانگاری لاتینی و بدون مراجعه به گفت‌وگوهای درون متن‌های فارسی معاصر کوشیده گفت‌گوهای روزانه‌ی فارسی زبانان را در قالب گفتارهای دوستان، برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، نوشته‌های درون وبلاگ‌ها و وبسایت‌ها گردآوری کند تا فرهنگ او روزآمدتر و کاربردی‌تر از فرهنگ‌های قبلی شود. این فرهنگ فاقد تعیین هویت دستوری مدخل‌ها و آوانگاری لاتینی است؛ آوانگاری‌ها براساس حرکت‌گذاری آوایی معرفی شده‌اند و مدخل‌ها

پانزده برجسب به نام‌های بی‌ادبانه، توهین‌آمیز، رسمی، عامیانه، محترمانه، تحقیرآمیز، خودمونی، زشت، فحش، مودبانه، تعارف، دعا، طنز، کودکانه، نفرین دارند. صفرزاده کوشیده تا به جای «گفتارنوشت» یا تبدیل صورت نوشتاری فارسی گفتاری از شکل شکسته یا محاوره‌ای زبان عامیانه در مدخل‌سازی استفاده کند؛ حتی تعریف‌نگاری واژه‌ها و اصطلاحات گفتاری به زبان گفتاری است.

در جدول زیر، سعی شده دوازده فرهنگ بالا از منظر ساختار خرد و کلان که در سنجه‌های ارزیابی فرهنگ برشمرده شد، دسته‌بندی و تحلیل کیفی شود. علامت ستاره (*) به معنای دارا بودن تمام ویژگی‌ها، علامت خط تیره (—) به معنای فقدان و علامت Ø به معنای ناقص بودن ویژگی مورد نظر در ساختار خرد و کلان این فرهنگ‌هاست:



جدول ۳. ساختار خُرد و کلان دوازده واژه‌نامهٔ زبان فارسی عامیانه

دوازده واژه‌نامهٔ زبان فارسی عامیانه												عناصر بررسی شده	ساختار کلان	
ف.ف.گ ۱۲	د.ز.خ ۱۱	ف.ز.ف ۱۰	ف.ل.ز.م ۹	ف.ا.ع.ج ۸	ف.ف.ع ۷	ف.ل.ع.و.م ۶	ف.ج ۵	ق.ن ۴	ک.ک ۳	ف.ل.ع ۲	م.ب ۱			
۰	۰	۰	*	*	*	۰	۰	—	۰	*	—	۱	مقدمهٔ علمی (تاریخچه، راهنمای استفاده از فرهنگ و آوانگاری)	ساختار کلان
القابلی	موضوعی - القابلی	القابلی	القابلی - موضوعی	القابلی	القابلی	القابلی	القابلی	القابلی	القابلی	القابلی	القابلی	۲	شیوهٔ تنظیم فرهنگ	
کتابخانه‌ای - میدانی	کتابخانه‌ای - میدانی	کتابخانه‌ای - میدانی	کتابخانه‌ای - میدانی	کتابخانه‌ای - میدانی	کتابخانه‌ای	کتابخانه‌ای	میدانی	کتابخانه‌ای - میدانی	کتابخانه‌ای - میدانی	کتابخانه‌ای - میدانی	میدانی	۳	روش گردآوری مدخل	

*	—	*	*	—	*	*	—	—	∅	—	—	بیان سرواژه اصلی در بالای صفحه	۴
*	—	*	*	—	*	*	—	∅	*	—	—	ساماندهی مدخل به اصلی و فرعی	۵
*	∅	*	∅	*	—	∅	*	*	—	∅	*	ضبط شکل حقیقی و شکسته مدخل	۶
—	—	—	—	—	*	*	∅	—	*	—	—	منابع مدخل‌ها	۷
زیر و زیری	زیر و زیری	لاتین	لاتین	لاتین	زیر و زیری و کمی لاتین	لاتین	زیر و زیری	زیر و زیری	زیر و زیری و کمی لاتین	زیر و زیری	واژه هم‌وزن	آوانگاری	۱
*	*	*	*	*	*	—	∅	∅	*	∅	∅	اطلاعات معنایی کامل و تفکیک معنایی	۲
—	—	—	∅	*	∅	—	∅	∅	*	∅	∅	تبارشناسی	۳
—	—	—	—	*	∅	—	—	—	*	∅	—	بیان هویت دستوری / بلاغی	۴

بررسی انتقادی جریان فرهنگ‌نویسی ... (قدسیه رضوانیان و دیگران) ۳۴۷

—	—	*	*	*	∅	—	*	—	*	∅	*	برچسب‌دهی کاربردشناسانه	۵
—	—	—	—	∅	—	—	—	—	∅	—	—	ریشه‌شناسی	۶
∅	∅	∅	*	*	*	∅	∅	∅	*	—	—	مترادف/تضاد	۷
*	*	*	*	*	*	∅	∅	*	*	∅	—	شاهد مثال	۸
—	—	*	*	*	*	*	—	—	*	—	—	ارجاع درون فرهنگی	۹



تحلیل جدول

با توجه به جدول بالا، با این که مرآت البله‌ها در عصر قاجار تدوین شد و مؤلف آشنایی با روش فرهنگ‌نویسی نداشته، کوشیده تا با روش میدانی، نظم الفبایی و آوانگاری با کلمات هموزن، فرهنگی کاربردی بنگارد. همچنین با زدن برچسب نگرش موقعیتی به سرواژه و نسبت دادن آن به یکی از ویژگی‌های زشت اخلاقی؛ مثل رعونت، رذالت، بلاهت، تملق و... کاربرد آن را برای مخاطب در موقعیت مناسب مشخص کند. ده فرهنگ با نظم الفبایی تدوین شده‌اند و دو فرهنگ دیگر نظم موضوعی - الفبایی دارند. هشت فرهنگ از روش آوانگاری زیر و زبری یا حرکت‌گذاری استفاده کرده‌اند. مقدمه‌ی اغلب فرهنگ‌ها بجز جمالزاده، نجفی، سمائی و مشیری و صفرزاده چندان کاربردی نیست و گویای ساختار کلان فرهنگ نیست، با این‌که گردآوری مدخل به روش میدانی در فرهنگ‌های زبان عامیانه اهمیت بسزایی دارد، بیشتر فرهنگ‌نگاران به تأسی از فرهنگ‌های رسمی از روش کتابخانه‌ای استفاده کرده‌اند، بیشتر سرواژه‌ها در بالای صفحات فرهنگ‌ها ذکر نشده‌اند. مدخل‌های اصلی و فرعی فرهنگ‌ها از هم تفکیک نشده‌اند و فقط در شش فرهنگ به این مهم پرداخته‌اند، تنها شش فرهنگ از دوازده فرهنگ کوشیده تا مدخل‌ها را به شکل حقیقی‌شان ضبط کند و بقیه به پیروی از فرهنگ‌های فارسی رسمی، بازبان معیار مدخل‌ها را تحریف کرده‌اند، بیشتر فرهنگ‌نگاران کوشیده‌اند معانی مختلف هر مدخل را با اعداد یا سایر نشانه‌های قراردادی از هم تفکیک کنند، در بیشتر فرهنگ‌ها تبارشناسی مدخل‌ها شکل نامنسجمی دارد، تنها شاملو و مشیری در فرهنگ خود هویت دستوری و بلاغی مدخل‌ها را به شکلی علمی بررسی کرده‌اند و در بقیه یا وجود ندارد و یا نامنسجم است، با وجود اهمیتی که برچسب نگرش در فرهنگ‌های فارسی عامیانه دارد، از بین دوازده فرهنگ انتخابی، تنها شش فرهنگ برچسب نگرش دارند، بجز مشیری هیچ‌یک از فرهنگ‌نگاران به ریشه‌شناسی علمی سرواژه‌های درون فرهنگ خود نپرداخته‌اند، اغلب فرهنگ‌نگاران برای سرواژه‌ها، مترادف و متضاد از درون فرهنگ یا بیرون از فرهنگ تعریف کرده‌اند بجز مرآت البله‌ها، بقیه‌ی فرهنگ‌ها شاهد مثال دارند. ارجاع درون فرهنگی به‌طور نسبی در فرهنگ‌ها بارابطه‌ی شش به دوازده وجود دارد. از بین فرهنگ‌های بالا، فرهنگ نجفی و مشیری بیش‌تر با اصول فرهنگ‌نگاری در زبان‌شناسی کاربردی هم‌خوانی دارند؛ زیرا دارای مقدمه‌ی علمی‌اند، معنای سرواژه‌ها با اعداد تفکیک شده‌اند،

کاربرد سرواژه‌ها در شاهدمثال‌ها نشان داده شده، آوانگاری، مترادف و متضاد و ارجاع درون‌فرهنگی دارند.

۲.۴ افق‌های جدید فرهنگ‌نویسی با پیکره زبانی رایانه‌ای در زبان‌شناسی کاربر

امروزه رایانه افق‌های جدیدتری را برای کار سخت و بی‌پایان فرهنگ‌نویسی گشوده است. با رایانه پیکره‌ی فرهنگ گسترده‌تر و متنوع‌تر می‌شود، برخلاف فرهنگ‌های سنتی، محدودیتی در حجم بالای مدخل‌ها وجود ندارد، ساماندهی و روزآمد کردن این فرهنگ‌ها نیاز به وقت چندان و هزینه‌ی سنگین ندارد و کار ویرایش و افزایش مدخل‌ها با سهولت و سرعت بیشتری انجام می‌شود، می‌توان روی داده‌ها تحلیل انجام داد، مدخل‌های جعلی و نو را از قدیمی جدا کرد، بسامد و میانگین واحدهای واژگانی از قبیل صفت، اسم، قید و ... را سنجید و سیاهه‌ای آماری از فهرست واژگان تهیه کرد (جعفری، ۱۳۹۳، ۸۹). در فرهنگ‌های سنتی با روش فیش‌نویسی، این کارها امکان‌پذیر نیست؛ زیرا هرچقدر فرهنگ‌نگار دقت کند، احتمال غلط‌دستوری، املائی، تلفظی، افتادگی، افزایش و کاهش معنایی سرواژه‌ها نیز وجود دارد. پیکره‌ی اغلب فرهنگ‌های چاپی موجود بانک‌ها شاهد هستند؛ یعنی با جمله‌ها و بیت‌های از هم گسسته و بنا به سلیقه‌ی برکنه‌نویس از متن‌های گوناگون گردآوری شده‌اند. در برخی از کشورها تنها از پیکره‌ی زبانی رایانه‌ای برای فرهنگ‌نگاری استفاده می‌شود. در ایران فرهنگ جامع زبان فارسی از سال ۸۶ تا کنون به سرپرستی علی‌اشرف صادقی با روش پیکره‌ی زبانی رایانه‌ای تدوین شده که همگی متون منتخب را در برنامه‌ی نرم‌افزاری ویژه‌ی حروف‌نگاری کردند تا مؤلفان از طریق واحدهای واژگانی و شواهد متنی به تعریف مدخل‌ها، ویرایش، بازبینی و پیرایش بپردازند. این نرم‌افزار امکان ویرایش و دایره‌ی مدخلی این فرهنگ افزون بر منابع متنی، پژوهش‌های میدانی، واژگان وارداتی تاجیکی، و دری افغانی را نیز دربردارد (خطیبی، ۱۳۸۶: ۶۱).

اگر واژه‌های عامیانه در حمایت فرهنگستان زبان درآیند و منسجم و یکپارچه شوند، نیاز علمی بسیاری از کاربران زبان در همان محیط مجازی را برطرف خواهند کرد؛ زیرا بیش‌ترین نوجویی‌های زبانی در زبان علم و زبان عامیانه رخ می‌دهد و به طرز معجزه‌آسایی فراگیر می‌شود. بدیهی است که شمار واژگان مخفی و ایترلاتی در زبان عامیانه رو به افزایش است و بسیاری از این واژگان ساختی استعاری دارند. کاربران می‌توانند ضمن

استفاده از اطلاعات آن پایگاه، معلومات واژگانی خود را در آن پایگاه به اشتراک بگذارند؛ زیرا با گذر زمان و فراموش شدن پس‌زمینه‌های ایجاد آن واژه یا اصطلاح، مردم به ریشه‌شناسی خرافی دست می‌زنند و نمی‌توان با این پراکندگی داده‌ی زبانی، تحلیل علمی و جامعه‌شناختی انجام داد، اما اگر این داده‌های پراکنده به شکلی رایانه‌ای مدون شوند جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان نیز می‌توانند روی این پیکره تحلیل علمی انجام دهند؛ مثلاً چه اصطلاحاتی در زبان عامیانه متداول است و بیشترین معادل‌ها را دارند؟، دلایل ایجاد و استفاده از واژگان و اصطلاحات عامیانه چیست؟ با توجه به خاستگاه و حوزه‌ی کاربرد واژه، کانون‌ها و کانال‌های تولید و توزیع اصطلاحات عامیانه کدامند و محیط‌هایی که این واژگان در آنها بیشتر رایج است، کجاست؟، قلمرو موضوعی این اصطلاحات چه مسائلی را هدف می‌گیرد؟، شیوه‌ی ساخته‌شدن این اصطلاحات چگونه است؟ چه رابطه‌ای بین فرایندهای اصلی فرهنگ معاصر جامعه ایران مثل مدرن‌شدن، صنعتی‌شدن، شهرنشینی، رشد فردیت، رسانه‌ای و مجازی‌شدن با پدیده‌ی رشد زبان مخفی وجود دارد؟ آیا ممکن است ثبت و مستندسازی زبان مخفی یا اصطلاحات خودمانی مربوط به تابوهای اجتماعی و امور ممنوعه، پیامدهای منفی اخلاقی دربر داشته باشد؟ (اکرامی، ۱۳۸۳: ۲۶۱).

۵. نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های این مقاله، بیشترین ضعف فرهنگ‌نگاران، استفاده از روش کتابخانه‌ای برای گردآوری مدخل، ضعف اطلاعات زیرمدخلی در ساختار خرد آنهاست. حدود دو سده فرهنگ‌نگاری برای واژگان و تعابیر عامیانه زمان قابل ملاحظه‌ای است؛ نبود اصول علمی مدون، ورود دیرنگام زبان‌شناسی کاربردی به بحث‌های مربوط به زبان عامیانه، و یا پایندنبودن فرهنگ‌نگاران به اصولی همه‌پسند و معمول منجر به تدوین فرهنگ‌واره‌های بازاری شد؛ می‌توان با معیارهای فرهنگ‌نویسی زبان فارسی رسمی زبان عامه را هم بررسی کرد؛ زیرا تفاوت این دو در روش گردآوری و محتوای اطلاعات زیر مدخلی است و گرنه از نظر ساختار هر دو مثل هم‌اند. سیر خطی تدوین واژگان و تعابیر عامیانه از دوران قاجار تاکنون نشان می‌دهد که فرهنگ‌های جدید با اصول زبان‌شناسی کاربردی و مباحث جامعه‌شناسی زبان درهم آمیخته‌اند، اما هنوز از راه‌اندازی پیکره‌زبانی رایانه‌ای برای زبان عامیانه از سوی فرهنگستان زبان و ادب فارسی خبری نیست و این کم‌توجهی به

واژگان و تعابیر عامیانه شاید ناشی از نگاه نازل‌نگری به زبان عامیانه و ترس از ورود واژگان تابوشکن در زبان معیار باشد حال آن‌که با برچسب‌دهی به این واژگان و تعابیر می‌توان محدوده‌ی کاربرد آن را مشخص کرد.

کتاب‌نامه

- آرین‌پور، یحیی (۱۳۷۵). *از صبا تا نیما*، جلد ۲، چاپ دوم، تهران: کتاب‌های جیبی.
- احشامیان، جواد (۱۳۹۴). «معرفی نرم‌افزار واژه‌یاب بسامدی»، *فرهنگ‌نویسی*، شماره ۱۰، ۵۹ - ۶۲.
- اسپیرز، ریچرِد. ا. (۱۳۹۷). *فرهنگ مردم: اصطلاحات خودمانی، عامیانه و اسلنگ مردم آمریکا*، تهران: پیام امروز.
- اکرامی، محمود (۱۳۸۳). *مردم‌شناسی اصطلاحات خودمانی*، مشهد: نشر ایوار.
- بختیاری، رحمان (۱۳۸۸). «ریشه‌شناسی در فرهنگ‌ها»، *فرهنگ‌نویسی*، شماره‌ی ۲، ۶۴ - ۸۳.
- جعفری، زهرا (۱۳۹۳). «مروری بر مقوله‌ی نقد فرهنگ لغت و مبانی آن»، *فرهنگ‌نویسی*، شماره‌ی ۵ و ۶، ۷۵ - ۹۲.
- جمالزاده، سیدمحمدعلی (۱۳۸۲). *فرهنگ لغات عامیانه*، تهران: سخن.
- خطیبی، ابوالفضل (۱۳۸۶). «فرهنگ جامع زبان فارسی: پیکره در فرهنگ‌نویسی»، *فرهنگ‌نویسی*، دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۱، ۴ - ۶۴.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۳۰). *امثال و حکم*، ۴ جلد، تهران: مجلس شورای ملی.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۴). «گونه‌شناسی ساخت‌های قالبی در گفتار عامه»، *جستارهای زبانی*، دوره ۶، شماره‌ی ۴، ۶۹ - ۹۸.
- زرنشاس، زهره (۱۳۸۴). *زبان و ادبیات ایران باستان*، چ دوم، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- زرنیخی، ابوالفضل (۱۳۸۱). «دیدگاه نظری درباره‌ی فرهنگ‌نگاری»، *کتاب ماه ادبیات و فلسفه*، شماره‌ی ۵۸، ۶۴ و ۶۵.
- سارلی، ناصرقلی (۱۳۷۸). *زبان فارسی معیار، تهران: هرمس*.
- سارلی، ناصرقلی (۱۳۹۲). «جنبه‌های اجتماعی فرهنگ‌نویسی»، *فرهنگ‌نویسی*، شماره‌ی ۵ و ۶، ۶۶ - ۷۴.
- سبزه‌علی‌پور، جهان‌دوست؛ نیک‌گهر، سیده فاطمه (۱۳۹۳). «فرهنگ‌نگاری گویشی: مطالعه‌ی موردی: بررسی فرهنگ‌نگاری در گیلکی»، *زبان پژوهی*، سال ۶، شماره‌ی ۱۱، ۶۵ - ۹۶.

- شمشیرگرها، محبوبه (۱۳۹۴). «ویژگی‌های گونه‌ی زبانی خرده‌فرهنگ جبهه»، فصلنامه‌ی فرهنگ و ادبیات عامه، سال ۶. شماره‌ی ۶، ۱۵۵-۱۸۲.
- شهری، جعفر (۱۳۷۰). *قند و نمک: ضرب‌المثل‌های تهرانی به زبان محاوره*. تهران: معین، چاپ دوم. صدری افشار، غلامحسین (۱۳۸۶). *فرهنگ زبانزدهای فارسی*. تهران: مازیار.
- صفرزاده، بهروز (۱۳۹۵). *فرهنگ فارسی گفتاری*. تهران: کتاب بهار.
- طباطبایی، علاءالدین (۱۳۸۶). «نکاتی درباره‌ی آسیب‌شناسی برخی فرهنگ‌ها»، *فرهنگ‌نویسی*، دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۱، ۹۵-۱۰۰.
- طیب‌زاده، امید (۱۳۹۵). «نقدی بر فرهنگ‌فارسی گفتاری»، *ایران‌شهر/امروز*، شماره‌ی ۴، ۹-۱۱.
- عاصی، مصطفی (۱۳۷۹). «از پیکره‌ی زبانی تا زبان‌شناسی پیکره‌ای»، مجموعه مقالات پنجمین کنفرانس زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی تهران، صفحه‌های ۴۸۶-۴۹۵.
- عباسی، آریتا (۱۳۹۲). «فرهنگ‌نویسی و توانش کاربردشناختی»، *فرهنگ‌نویسی*، شماره‌ی ۷، ۲۳-۳۸.
- فهیمی، سید مهدی (۱۳۷۱-۱۳۶۸). *فرهنگ جبهه (اصطلاحات و تعبیرات)*. تهران: سروش.
- قربان‌زاده، فرهاد (۱۳۹۲). «پیشنادهایی به مؤلفان فرهنگ‌های فارسی به زبان‌های دیگر»، *فرهنگ‌نویسی*، شماره‌ی ۷، ۳۹-۵۷.
- قربان‌زاده، فرهاد (۱۳۹۴). «نقد و بررسی مجموعه فرهنگ‌های سخن»، *فرهنگ‌نویسی*، شماره‌ی ۱۰، ۱۸۳-۲۱۰.
- قربان‌زاده، فرهاد (۱۳۹۴). «معرفی نرم‌افزار فرهنگ‌نویسی پرلکس (Perlex)»، نخستین همایش ملی زبان‌شناسی پیکره‌ای، نویسه‌ی پارسی، ۶۱.
- قطره، فریبا (۱۳۸۶). «نقش زبان‌شناسی در فرهنگ‌نویسی امروز»، *فرهنگ‌نویسی*، دوره‌ی ۱، شماره ۱، ۶۸-۹۴.
- لغات مصطلحه‌ی عوام (مرآت‌البها)*، (بی‌تا)، منسوب به حبیب‌اله لشکرنویس، به اهتمام احمد مجاهد. [تاریخ انتشار، ۱۳۷۷]، تهران: انتشارات ما.
- لیان، سعید (۱۳۸۶). «ضرورت توجه به صورت‌های شکسته در فرهنگ‌های فارسی»، *فرهنگ‌نویسی*، دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۱، ۱۸۴-۲۱۰.
- مشیری، مهشید (۱۳۶۹). «ساختار واژه‌نامه‌های تخصصی»، *مجله علوم انسانی*، شماره‌ی ۳ و ۴، ۱۰۶-۱۰۳.
- مشیری، مهشید (۱۳۸۰). *فرهنگ اصطلاحات عامیانه‌ی جوانان*. تهران: آگاهان ایده.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۷۸). *فرهنگ فارسی عامیانه*. تهران: نیلوفر.

بررسی انتقادی جریان فرهنگ‌نویسی ... (قدسیه رضوانیان و دیگران) ۳۵۳

نغزگوی کهن، مهرداد (۱۳۸۶). «تاریخچه‌ی فرهنگ‌نویسی عامیانه‌ی فارسی»، فرهنگستان‌زبان، دوره‌ی ۱، شماره ۱، ۱۶۷ - ۱۸۳.

نغزگوی کهن، مهرداد (۱۳۹۰). «مقایسه‌ی دستوری‌شدگی و دستوری‌زدایی در فارسی کنونی»، مجله‌ی زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، شماره ۴، ۱۰۹-۱۸۹.

هاشمی‌میناباد، حسن (۱۳۸۶). مجموعه مقالات فرهنگ‌نگاری، دفتر دو، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران.

Bartech, Renate (1987), Norms of Languages, Longman, London.

Hudson, R. A. (1980), Sociolinguistics, Cambridge University press.

